



بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی به مناسبت سالروز قیام بیست و نهم بهمن ۱۳۵۶ مردم تبریز (۱) - 29 / بهمن / 1397

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين المعصومين المطهرين سيما بقیة الله في الارضين.

برادران عزیز، خواهران عزیز، علما، شخصیت‌ها، خانواده‌های محترم شهیدان، جوانان پُرشور و کم‌نظیر تبریز! خیلی خوش آمدید. حقیقتاً مردم تبریز، مخصوصاً جوانهای تبریز در کشور نمونه‌اند و کم‌نظیرند. خیلی خرسندم از اینکه بحمدالله امسال هم این توفیق را پیدا کردیم که در یوم‌الله بیست و نهم بهمن - که حقیقتاً یوم‌الله است، جزو روزهای خدایی است - شما را در این حسینیّه زیارت کنیم.

و این نکته را من اول عرض کنم که این یوم‌الله را مردم تبریز آفریدند. «ایام‌الله» روزهای جلوه‌ی ویژه‌ی خدای متعال است؛ گاهی نیت مردم، همت مردم، اراده‌ی مردم، یک چنین روزی را می‌آفریند. **مردم تبریز در سال ۵۶** این روز را در بیست و نهم بهمن با همتشان، با **بصیرتشان** آفریدند که حالا بعد عرض خواهم کرد. البته این اولین بار نبود، آخرین بار هم نبود؛ طول تاریخ اخیر ما پُر است از پیشگامی مردم تبریز و آذربایجان در مسائل مهم، در حوادث مهم و سرنوشت‌ساز. در همین دوران انقلاب شما نگاه کنید، در حوادث اول انقلاب - شما جوانها یادتان نیست - تبریزي‌ها شق‌القمر کردند به معنای واقعی کلمه؛ توطئه‌ای که دشمن در تبریز تدارک دیده بود، به دست خود مردم تبریز به بهترین وجه خنثی شد. همان وقتی که همه نگران بودند که تبریز چه خبر خواهد شد و دشمنان و ضدانقلاب از اطراف لشکرکشی کرده بودند که بتوانند تبریز را از انقلاب جدا کنند، امام فرمودند - به این مضمون - که نگران نباشید؛ تبریزي‌ها خودشان جواب خواهند داد؛ همین هم شد. در آن روز، بعد در دفاع مقدس، بعد در حوادث بعد، بعد در **سال ۸۸**، بعد در **نهم دی** - که همه‌ی کشور نهم دی [آمدند]، تبریز هشتم دی؛ یک روز جلوتر، زودتر - در همه جا پیشگام بودند الحمدالله. عزیزان من! در این گام دوم هم پیشگام باشید و ان شاء الله خواهید بود.

مردم تبریز به یوم‌الله بیست و نهم بهمن افتخار میکنند. ببینید! این نکته است، این خیلی مهم است. یک عده‌ای ضعیفند، بیچاره‌اند، منفعلند؛ یک روز هم ممکن است یک حرکت انقلابی کرده باشند [اما] حالا زیر فشار توطئه‌ی دشمن و البته تمایلات دنیایی، از گذشته‌ی خودشان شرمسارند. مردم تبریز مثل اکثر ملت ایران به گذشته‌ی انقلابی خودشان مفتخرند، افتخار میکنند؛ سرشان را بالا میگیرند، میگویند ما بودیم که این حرکت انقلابی چهلم را، اربعین‌ها را راه انداختیم؛ راست میگویند. و همین آمدن شما به اینجا و این اجتماع عظیم و پُرشور شما بخصوص جوانان عزیز، یکی از محورها و از نشانه‌های این افتخار بزرگ و پُر معنا است.

خب من یک جمله‌ای راجع به بیست و نهم بهمن می‌خواهم عرض بکنم که حرف اصلی من آن جمله است لکن قبل از آنکه آن را بگوییم، دو نکته را می‌خواهم تکرار بکنم؛ این فرصتی است برای من.



نکته‌ی اول، [اینکه] من در پایان این **بیانیه** (۲) از مردم ایران برای راه‌پیمایی بیست‌ودوم بهمن تشکر کردم لکن آن تشکر، بینی‌وین‌الله خیلی کمتر و کوچک‌تر از آن چیزی بود که حق ملت ایران است. ملت ایران در بیست‌ودوم بهمن امسال، کار بزرگی انجام دادند. من به شما عرض بکنم این حضور پرحجم مردم در خیابانها را - که [طبق] گزارشی که به من دادند، در همه‌ی کشور یا در صدی نودوهشت شهرهای کشور، یا بیشتر، جمعیت از سالهای قبل بیشتر بود؛ یک جاهایی پنجاه درصد بیشتر بود، یک جاهایی چهل درصد بیشتر بود، یک جاهایی سی درصد بیشتر بود - دشمن میبیند؛ البته کتمان میکنند در تبلیغات. در تبلیغات میگویند هزاران نفر آمدند در خیابانهای ایران؛ دیگر نمیگویند میلیون‌ها نفر و در همه‌ی شهرها مجموعاً ده‌ها میلیون آمدند در خیابان؛ دشمن این را نمیگوید اما میفهمد. و در دنیا همه میدانند، آن کشوری که مردمش این جور **متحد** وسط میدان باشند، هیچ آسیبی از کید دشمن نمیشود به او زد؛ این را همه میدانند. یعنی این **حضور شما** در صحنه‌ی سیاسی کشور و صحنه‌ی انقلابی کشور و یادبود بیست‌ودوم بهمن سال ۵۷ در همه‌ی کشور، یک حرکت سیاسی و امنیتی مهمی بود که به وسیله‌ی ملت ایران انجام گرفت. خدا را باید سپاسگزار بود؛ دلها دست خدا است. **إِلَيْكَ تَقَلَّتْ الْأَقْدَامُ وَإِلَيْكَ ... مَدَّتِ الْأَعْنَاقُ**؛ (۳) دستها به سوی خدا دراز است، دلها دست خدا است، خدا مردم را آورد؛ از خدا سپاسگزاری میکنیم، از مردم عزیز هم با همه‌ی وجود سپاسگزاری میکنیم. مردم آمدند و همان شعارها را دادند.

آن روز عرض کردم که این شعار **«مرگ بر آمریکا»** به معنای [مرگ بر] ملت آمریکا نیست. مصداقش را بنده در نوزدهم بهمن معین کردم که مراد کیست؛ حالا عرض میکنم که «مرگ بر آمریکا» یعنی مرگ بر **سلطه‌گری**، مرگ بر تجاوزگری، مرگ بر دست‌درازی به حقوق ملتها؛ معنایش این است. یک حرکت روشنفکرانه، آگاهانه، انسانی و پرمعنا و پرمضمون را مردم با این شعار در همه‌ی جای کشور انجام دادند، که واقعاً جای سپاسگزاری است.

یک عده‌ای خودشان ضعیفند، خودشان منفعلند، میگویند انقلاب ضعیف شده؛ خودشان ضعیفند، قیاس به نقس میکنند. خودشان دل باخته‌اند، دلشان را از دست داده‌اند، خیال میکنند این مردم همین جور هستند. ضعفهای خودشان را به مردم نسبت میدهند؛ نه، مردم این [کسانی] هستند که شما در خیابانها روز بیست‌ودوم بهمن مشاهده کردید. خداوند شماها را، ملت ایران را، مجموعه‌ی پرهمتی که این جور با بصیرت از انقلاب خود، از نظام خود، از **هویت خود**، از کشور خود دفاع میکند، مورد رحمت و لطف خودش قرار بدهد.

نکته‌ی دوم، راجع به این **جوانهای عزیزی** است که در راه **امنیت کشور** جانشان فدا شد. خب، ظاهر قضیه این است که بیست‌سی نفر جوان به شهادت رسیدند. ما که خیلی شهید داده‌ایم اما این نکته قابل تأمل است و ما را باید آگاه کند، هشیار کند که **امنیت** به چه قیمتی به دست می‌آید. ببینید! اینهایی که از امنیت موجود کشور در کارشان، کاسبی‌شان، هنرشان، ورزششان، درس خواندنشان، در همه‌کارشان استفاده میکنند، آن وقت بعضی از همین استفاده‌کننده‌ها که نمک خوردند، نمکدان را میشکنند! این امنیتی که ما در آن زندگی میکنیم، به این قیمت به دست می‌آید؛ به قیمت خون جوانان ما و بهترین جوانهای ما. درود خدا بر این جوانهای اصفهانی، درود ملائکه‌ی الهی بر آنها، درود خدا بر مردم شهیدپرور اصفهان که پربروز آن تشییع جنازه‌ی عجیب را برای این جوانها به راه انداختند. مردم اصفهان هم جزو پیشگامان این نهضت و این حرکتند. این خیلی کار مهمی است.

ما یادمان نرود که **امنیت** چه جوری حفظ میشود؛ امنیت مرزهای ما، امنیت داخل کشور، امنیت جاده‌ها، امنیت شهرها، امنیت عجیب این همه جمعیت در روز بیست‌ودوم بهمن. با این جمعیت عظیم در بیست‌ودوم بهمن، این



مراسمها با امنیت به پایان برسد، چیز کوچکی است؟ این چیز کمی است؟ چه کسانی هستند اینهایی که امنیت را حفظ میکنند برای ما؟ قدرشان را میدانیم؟ آنها را می‌شناسیم؟ درود خدا بر سپاه پاسداران و بقیه‌ی عناصر حافظ امنیت؛ بر نیروی انتظامی، بر ارتش و دیگران که این جور فداکاری میکنند و جانبازی میکنند. این انقلاب، این عزت ملی، این امنیت، با این جانفشانی‌ها به دست آمده.

اما در مورد قیام تبریز. نکته‌ی مهم در باب قیام بیست‌ونهم بهمن تبریز - که واقعاً یک قیام بود؛ یک قیام به معنای واقعی کلمه؛ البته در یک شهر بود اما اثر گذاشت بر روی تمامی کشور؛ همه را کشاند وارد میدان کرد و منتهی شد به آن انقلاب عظیم و مردمی - که خدا به آن برکت داد، این است که مردم تبریز توانستند **وقت‌شناسی** کنند، این یک، و اقدام بهنگام کنند، این دو. این دو عنصر خیلی مهم است. در همه‌ی حوادث شخصی و اجتماعی، این دو عنصر خیلی مهم است که [اگر] وقت را، موقع را بشناسیم، و بعد هم که شناختیم و فهمیدیم که وقت عمل است، آن عمل را بموقع و بهنگام انجام بدهیم، این موفقیت پیش خواهد آمد. اگر چنانچه این وقت‌شناسی نباشد، از اقتضای وقت غفلت بشود یا حرکت مقتضی بهنگام انجام نگیرد، آن وقت هر حرکتی که انجام بگیرد، بی‌فایده خواهد بود. نمونه‌اش در تاریخ توأبینند؛ توأبین آن جماعتی بودند که بعد از آنکه حادثه‌ی کربلا اتفاق افتاد و امام حسین عزیز دل پیغمبر با آن وضع به شهادت رسید و آن همه حادثه اتفاق افتاد، اینها به جوشش آمدند که عجب، ما نشسته‌ایم؟ بلند شدند قیام کردند - عده‌ی زیادی هم بودند - رفتند، حکومت هم با اینها مقابل شد، همه‌ی آنها هم کشته شدند، شهید شدند، اما آیا اثر کار صد نفر از آنها به قدر اثر کار آن غلام سیاهی است که در کربلا شهید شد؟ اثر صد نفر از آنها به قدر اثر یک نفر حبیب‌بن مظاهری است که در کربلا شهید شد؟ نه، [چون] کار را به وقت خودش انجام ندادند. اگر شماها میخواستید دفاع کنید از امام حسین، از پیغمبر، از حریم ولایت، از حرکت حق در مقابل باطل یزیدی، روز عاشورا باید [کاری] میکردید؛ وقت را از دست دادید! این تاریخ است؛ در تاریخ نمونه‌های این جوری فراوان داریم.

من فراموش نمیکنم، اول انقلاب، امام روز دوازدهم بهمن که وارد تهران شدند، در بهشت زهرا فرمودند که من دولت تشکیل میدهم، وعده دادند که من دولت تشکیل میدهم؛ زمینه هم کاملاً آماده بود. به نظرم روز چهاردهم، پانزدهم بود، امام فرستادند دنبال ماها - چون مسئول فراهم کردن مقدمات تشکیل دولت، شورای انقلاب بود که ماها بودیم، بنده عضو شورای انقلاب بودم و چند نفر دیگر - رفتیم خدمت ایشان در مدرسه‌ی علوی. ایشان گفتند «آقا! چه شد پس؟ تشکیل دولت چه شد؟» یعنی مقدمات را چرا فراهم نکردید؟ ببینید، این درست است؛ این وقت‌شناسی و استفاده‌ی از فرصت است. بعد هم همان فردایش یا پس‌فردایش دولت موقت را معین کردند، حکم دادند و آن قضایا به آن شکل ادامه پیدا کرد. این وقت‌شناسی است. مردم تبریز - که خدا به کار شماها که برکت داد، به‌خاطر این وقت‌شناسی بود - فهمیدند الان وقتی است که ضربه را وارد کنند. نظام حاکم با خطایی که کرد، مردم را به جوش و خروش انداخت، **قضیه‌ی قم** اتفاق افتاد، آنجا یک خطای دیگری کرد، عده‌ای از مردم قم را به شهادت رساند، زمینه آماده بود؛ این زمینه‌ی آماده چه جوری باید بروز پیدا کند؟ بهترین مناسبت، چهلم بود. مردم تبریز این را فهمیدند؛ «چهلم»، شد مظهر حرکت و قیام و انقلاب. وقت را شناختند، از وقت هم به بهترین وجهی استفاده کردند؛ لذا خدا برکت داد. این درس است.

عزیزان من! امروز نظام جمهوری اسلامی در بهترین فرصتها است؛ امروز فرصت کار است، امروز فرصت حرکت است؛ حرکت دولت، حرکت ملت، حرکت مسئولین، هر کدام در جای خودشان و کار خودشان. جوان، امروز باید حرکت کند، از فرصت استفاده کند. امروز موقعیت، متناسب است؛ یک جمعیت زیاد، یک کشور بزرگ، این همه ظرفیت که



من در بیانیه به اندکی از آنها اشاره کردم. ظرفیتهای کشور خیلی بیش از آن چیزی است که در کاغذهای ما، در نوشته‌های ما، در گفته‌های ما آمده. هر جایی از کشور، [از جمله] همین آذربایجان شما و تبریز شما - که آقای امام جمعه‌ی محترم الان گفتند و درست گفتند- دریایی از ظرفیتهای گوناگون اقتصادی و علمی و اجتماعی و هنری و بقیه‌ی جنبه‌های زندگی است؛ دریایی است از ظرفیت؛ این ظرفیتهای باید شناخته بشود و از آنها استفاده بشود؛ چه کسی باید بکند این کار را؟ ما مسئولین؛ به عهده‌ی ما مسئولین است. البته اینکه می‌گویم ما مسئولین، معنایش این نیست که تکلیف از گردن جوانها برداشته است. معنای **آتش به اختیاری** که ما گفتیم، (۴) این است: یعنی همه‌ی جوانها، همه‌ی **گروه‌های مؤمن** در زمینه‌های مختلف، هر کاری که برایشان میسر است، و **مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور** [است]، باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند. (۵)

خب، در کشور ظرفیت [هست]. دشمن ما هم امروز ضعیف است. ببینید، نمی‌خواهیم ساده‌لوحی به خرج بدهیم؛ بنده بارها تکرار کرده‌ام و گفته‌ام «دشمن نتوان ضعیف و بیچاره شمرد»، (۶) یعنی این جور نیست که ما از نقاط قوت دشمن غفلت کنیم اما وقتی که درست نگاه میکنیم، می‌بینیم دشمن گرفتار است؛ دشمن اصلی نظام جمهوری اسلامی که استکبار است، مظهرش رژیم متجاوز آمریکا است که امروز گرفتار است؛ هم گرفتار مسائل داخلی‌اش است، هم گرفتار مسائل خارجی‌اش است؛ گرفتار درگیری میان سران کشور است؛ با همدیگر اختلاف دارند سر قضایای مختلف که در خبرها می‌بینید؛ گرفتار بدهکاری عجیب و غریب دولت آمریکا است به مردم خودش و به کشورهای خارجی؛ یعنی اینها یک و نیم تریلیون دلار گرفتار وام و بدهکاری هستند؛ گرفتار مشکلات اجتماعی داخلش است. مردم آمریکا و جوانهایشان طبق اسنادی که خودشان می‌گویند - اینها اطلاعات داخلی ما نیست؛ اطلاعاتی است که از خود آنها گرفته‌ایم؛ در مطبوعاتشان، در بعضی از اسنادشان، اینها هست که در اختیار ما قرار گرفته - دچار افسردگی، دچار خودکشی [هستند]. قتل در آنجا بیشتر از همه‌ی دنیا [است]؛ در روز تعداد زیادی قتل در آمریکا انجام می‌گیرد؛ قتل‌های مردم به دست همدیگر، قتل‌های مردم به دست پلیس. اعتیاد و مواد مخدر؛ سالی صد میلیارد دلار هزینه‌ی مواد مخدر در آمریکا است؛ آمریکا پنجاه میلیارد دلار خرج میکند - اینها از آمارهای خودشان است - برای مبارزه‌ی با مواد مخدر در میان کشور و بی‌اثر [است]، اثر ندارد. روزبه‌روز مواد مخدر آنجا رو به توسعه است؛ گرفتارند.

شما در سوریه وضعیتشان را ملاحظه کنید، در افغانستان وضعیتشان را ملاحظه کنید، در عراق وضعیتشان را ملاحظه کنید؛ همین گرفتاری‌ها اینها را عصبانی میکند و آن وقت شما می‌بینید آن دولتمردان ضعیف‌العقل یا واقعاً - **همان‌طور که گفتیم** (۷) - احمق درجه یک، عصبانی میشوند و علیه ملت ایران بنا میکنند به فحاشی کردن، بدگویی کردن؛ خودشان را به در و دیوار می‌زنند، کنفرانس ورشو (۸) را تشکیل میدهند، به جایی نمی‌رسد؛ کشورهای همکار خودشان را، مزدورهای خودشان را، دولتهای مرعوب و ضعیف را دعوت میکنند به ورشو برای اینکه علیه جمهوری اسلامی ایران تصمیم‌گیری کنند، به نتیجه هم نمی‌رسد. اینها همه نشانه‌ی ضعف دشمن است. پس دشمن ضعیف است. وقتی دشمن ضعیف است، هارت و هورت زیاد میکند، جنجال زیاد میکند؛ این جنجال نایبستی توی دل فلان مسئول را خالی کند یا فلان جوان را دچار اشتباه و خطا بکند، و خیال کند که حالا چه خبر است؛ نه. آن روزی که این انقلاب یک نهال ضعیفی بود، همه‌ی اینها دست به یکی کردند تا این نهال ضعیف را از زمین بکنند، نتوانستند؛ امروز آن نهال ضعیف به این درخت تناور، این **شجره‌ی طیبه‌ی عظیم** تبدیل شده، هیچ غلطی نمی‌کنند؛ همان جمله‌ای که حضرت زینب به یزید فرمود: **کِدْ کِیدَکَ وَ اَسَعِ سَعِیکَ ... فَوَاللّٰهِ لَا تَمَحُو ذِکْرَنَا**؛ (۹) هر غلطی میتوانی بکنی بکن، [اما] بدان که هیچ غلطی نمیتوانی بکنی. البته آبروی خیلی از سران کشورهای بظاهر مسلمان در این



حوادث رفت، آبرویشان بر خاک ریخت؛ اینهایی که نشستند با رژیم صهیونیستی در ورشو و امثال آنجا علیه اسلام و مسلمین و جمهوری اسلامی با صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها هم‌پیمان شدند، آبرویی در بین ملت خودشان هم ندارند؛ چه بعضی از این عربهای منطقه‌ی خلیج فارس، چه بعضی دیگر، بین ملت خودشان هم آبرویی ندارند. این‌جوری هستند.

عرض من این است: می‌گویم الان ما در نشاط چهل سالگی و آمادگی و قدرت لازم برای حرکت به طرف جلو هستیم، امکانات داریم، ظرفیت داریم، همه‌ی این مشکلاتی که وجود دارد، قابل رفع است؛ گرانی قابل رفع است، کاهش ارزش ریال قابل رفع است، مشکل مسائل **تولید داخلی** قابل رفع است، همه‌ی اینها قابل رفع است؛ یک مقداری صبر، یک مقداری تدبیر، یک مقداری اتحاد و اتفاق، یک مقداری جدیت در حرکت و مانند اینها را لازم دارد. امکانات ما بسیار خوب، و دشمن هم در حال ضعف و ان‌شاءالله ضعیف‌تر شدن هرچه بیشتر [است]. از این فرصت باید استفاده کرد، مثل همان جوری که در بیست‌ونهم بهمن سال ۵۶ شما تیریزی‌ها از فرصت استفاده کردید، ضربه‌ی خودتان را وارد کردید، کار خودتان را کردید، اقدام خودتان را کردید.

من به شما جوانها عرض می‌کنم - چون فردا مال شما جوانها است، این کشور مال شما جوانها است - که جوانها خودسازی کنند، خود را آماده کنند از لحاظ روحی، از لحاظ جسمی، از لحاظ علمی، از لحاظ توانایی‌های مدیریتی. کشور باید به دست جوانها اداره بشود. از مشورت پیران، از تجربه‌ی پیران استفاده کنند اما جوانها موتور پیشران کشور هستند. جوانها خودشان را آماده کنند - همان‌طور که عرض کردم، هم از لحاظ روحی و معنوی، هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ علمی، هم از لحاظ درس خواندن، هم از لحاظ جسمی، هم از لحاظ توانایی‌های مدیریتی، تشکیلاتی، انجمنها - آینده‌ی این کشور مال شما است، باید بتوانید [آن را] اداره کنید. این کشور را میتوانید سر قله برسانید. (۱۰) خداوند ان‌شاءالله شماها را حفظ کند، به شماها توفیق بدهد تا این آمادگی را ان‌شاءالله در مرحله‌ی عمل با ثبات قدم - که خیلی مهم است - نشان بدهید. این توصیه به شما جوانها.

و توصیه به مسئولین کشور هم این است که **دشمن را درست بشناسند**، فریب خدعه‌ی دشمن را نخورند. دشمن از طرق مختلف وارد میشود؛ گاهی دندان نشان میدهد، گاهی مشت نشان میدهد، گاهی هم لبخند نشان میدهد؛ همه‌ی اینها به یک معنا است. لبخند دشمن هم مثل همان دندان نشان دادن دشمن است، فرقی نمیکند، دشمنی است: **قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ**؛ (۱۱) آنچه در دل‌های نجس و سرشار از بغض و کینه‌ی آنها وجود دارد از اسلام و مسلمین و بخصوص جمهوری اسلامی، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در حرف‌هایشان ظاهر میشود. فریب دشمن را نخورند، خدعه‌ی دشمن را قبول نکنند. امروز شما ملاحظه میکنید که غربی‌ها به معنای واقعی کلمه دارند خدعه میکنند. حالا کار آمریکا که دیگر از خدعه گذشته و کاملاً آشکار و شمشیرازرو [بسته] است، [اما] اروپایی‌ها هم دارند همین‌جور با خدعه عمل میکنند. من نمی‌گویم چه کار کنند؛ دولتی‌ها بنشینند فکر کنند، [منتها] مواظب باشند مخدوع (۱۲) نشوند، مواظب باشند فریب نخورند، از دشمن رودست نخورند، به امید اینکه بتوانیم یک کاری بکنیم، خودشان را و ملت را دچار مشکل نکنند؛ هم فریب نخورند، هم از دشمن وحشت نکنند؛ بدانند که دست خدا بالای دستها است و خدای متعال طرف‌دار و پشتیبان ملتی است که دین او را نصرت میکنند و یاری میکنند و این ملت بحمدالله این کار را انجام خواهد داد.

شهادی عزیز ما حق بزرگی به گردن ما دارند، **یاد شهیدان را زنده بدارید**. اینکه آقای امام‌جمعه‌ی محترم اشاره کردند



به ارتباط با خانواده‌های شهدا و بازماندگان شهدا و تجلیل و تکریم نام بزرگ شهیدان، این جزو کارهای خوب و کارهای اصلی است. نام شهدا، خانواده‌ی شهدا و اعتبار شهدا را روزبه‌روز باید افزایش داد؛ اینها شاخصهای این راه هستند و خوشبختانه جوانهای ما همیشه آماده‌اند، همیشه آماده بودند، همیشه آماده هستند؛ و رحمت خدا بر امام بزرگوار و بر شهیدان بزرگوار.

و من به شما عرض بکنم ان شاءالله شما جوانهای عزیز ما آن روزی را خواهید دید که تمام آنچه امروز من گفتم و مکرر تکرار کرده‌ام، در زندگی شما به حول و قوه‌ی الهی متجلی خواهد شد. خداوند ان شاءالله شما همه را حفظ کند. (۱۳) ان شاءالله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله

(۱) در ابتدای این دیدار، حجّت‌الاسلام سیدمحمدعلی آل‌هاشم (نماینده‌ی ولیّ فقیه در استان آذربایجان شرقی و امام جمعه‌ی تبریز) مطالبی بیان کرد.

(۲) [بیانیه‌ی «گام دوّم انقلاب» خطاب به ملت ایران \(۱۳۹۷/۱۱/۲۲\)](#)

(۳) [مناقب آل ابی‌طالب، ج ۳، ص ۱۸۱](#)

(۴) از جمله، [بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی \(۱۳۹۶/۳/۱۷\)](#)

(۵) معظم‌له در پاسخ به شعار «ما همه سرباز توایم خامنه‌ای، گوش به فرمان توایم خامنه‌ای» حضار فرمودند: بونی که بیلیرم؛ قبلاً بویور می‌سیز، بنده بیلیرم. (این را که میدانم؛ قبلاً شما فرموده‌اید، بنده میدانم) خدا ان شاءالله خیرتان بدهد، خدا ان شاءالله حفظتان کند.

(۶) سعدی. گلستان، باب اوّل، در سیرت پادشاهان (با اندکی تفاوت)

(۷) [بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم \(۱۳۹۷/۱۰/۱۹\)](#)

(۸) کنفرانس «صلح و امنیت خاورمیانه» که در تاریخ ۲۴ و ۲۵ بهمن سال جاری به دعوت آمریکا و در ورشو لهستان تشکیل گردید.

(۹) لهوف، ص ۱۸۵

(۱۰) شعار حضار: «ای رهبر آزاده! آماده‌ایم آماده».

(۱۱) [سوره‌ی آل‌عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸؛ «... دشمنی از لحن و سخنان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان میدارد، بزرگ‌تر است...»](#)

(۱۲) فریب خورده

(۱۳) معظم‌له در پاسخ یکی از حضار که گفت «حضرت آقا به آذربایجان سفر کنید» فرمودند: دل ما در آنجا هست؛ ولو جسممان هم نیاید، دل ما آنجا است.